

دعوت آمد که...

مریم شیخ علی چوپانی

آرینا
انتشارات آرینا

چند
فرادید نگار

شیخ علی چوپانی، مریم

عنوان و نام‌پدیدآور:

دعوت آمد که... / مریم شیخ‌علی چوپانی

مشخصات نشر: تهران: فرادیدنگار، با همکاری نشر آریانا، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۸ ص.

شابک: ۵ - ۵۴ - ۵۹۱۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: قطعه‌های ادبی -- قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۳۶۳ ی / ۸۱۳۰ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۶۲ / ۸۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۳۰۷۷۶



انتشارات آرینا



فرادیدنگار

گروه فرهنگی انتشاراتی فرادیدنگار

با همکاری انتشارات آرینا

خیابان سهروردی شمالی، هویزه شرقی، شماره ۴۶، واحد ۴

تلفکس: ۸۵۰۳۴۳۹۴۱

✕ دعوت - آمد که ...

- ✓ نوشته: مریم شیخ علی چوپانی
- ✓ نمونه خوان: پردوش مهدیپور
- ✓ حروفنگار: آمنه علاقه بندی
- ✓ قیمت: ۱۸۰۰ تومان
- ✓ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰
- ✓ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- ✓ حروفچینی: گنجینه
- ✓ صفحه آرا: حسن نیکبخت
- ✓ لیتوگرافی: صدف
- ✓ چاپ: گلرنگ یکتا

✓ کتابخانه ملی ایران ۲۳۰۷۷۶

✓ شابک ۸-۵۳-۸۹۱۲-۶۶۳-۹۷۸

✕ مرکز بخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

✕ تلفن مرکز بخش: ۸۸۷۹۳۲۱۸ (خط ۸)

✕ بخش علی: ۶۶۴۹۱۸۷۶-۶۶۴۹۱۲۹۵

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر بوده
و هرگونه استفاده از آن
بدون مجوز ناشر ممنوع می باشد

سخن مؤلف

روح، همواره در جذبۀ رسیدن است و میلی با اوست که جان را شیفته‌ی شنیدن می‌کند.

و آدمی اگر بداند که «خدا همواره با او سخن می‌گوید»، چه آرامشی را نصیب خواهد برد از یافته‌ها.

در خلیش‌های از تمنا سرشار، لحظاتی بود که «او» با من حرف می‌زد و من می‌شنیدم و می‌نوشتم آنچه را که در من جلوه می‌یافت. مخاطب جمله‌های «آمده»، مدهوشی را می‌ماند که باید به دنبال معنا می‌گشت.

پس حال آدمی همواره چنین است: جوینده‌ای در پی معنا که چون شرطه طلب بداند، رنج یافتن را شهادت و شکر مزید می‌انگارد. و چه تهنیت دست زندگی او اگر نداند و همراه نگردد با آنچه در درویش می‌گذرد.

آدمی هیچ سخن ندارد که با «عزیزترین» خود گوید. آنچه می‌گوید نیز «او» در جانش جاری می‌سازد.

و او نیست که عاشق است: او که می‌گوید و می‌خواهد آمدن بنده



را و صبور می ماند تا زمزمه محبتش در دل بنده اثر کند. می بخشد و می آرزود و رحم می کند تا بگوید: تو، آن منی.

و این محبت مقدس است که سبب رحمت می گردد و واسطه ای می شود برای اجابت دعا اینگونه که بنده بگوید: الهی به محبت در حق من که دعایم را بپذیر!

که این محبت متعالی را قدری است عظیم و کجا توان قیاسش با محبت آدمی در حق خدا باشد؟ که آن، کمال است و این، نقص؛ گرچه این هم عزیز است، اما نه در شأن آن.

آری، هم اوست که همواره با ما سخن می گوید در بارش مدام ابرو نریمای گیاه و نوازش نور و نسیم و گریه شفاف تمامی نوزادان و عطر تمامی گلها...

و اوست که بندگان را به نام می خواند.
یک ذره ندیدم ز خورشید سوا

هر قطره آب هست عین دریا
حق را به چه نام کسی تواند خواندن

هر اسم که هست، هست ز اسمای خدا
و چه خوش گفت: ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری که سینه،
آستان دل است و دله منظر رحمت بلکه دارالملک حضرت
ریوییت که فرمود: دل های دوستان من، خانه های من اند.

چون او را بشنوی، عشق چهرای خوش می نمایاند در عالم امکان
و هم هر این مرحله است که قابل دیدار را باید دوچندان هوش



دعوت - آمد که...

MARYAM CHOPANI

باشد و یاری از خدا خواهد که شیطان در کمین است.
راهی ست پر از خطر ره عشق آنجا همه رهنمان چالاک
بی‌بدرقه عنایت تو نتوان شد از این ره خطرناک
کلام او نجات است آنگاه که یقین کنی «او با ما حرف می‌زند»



www.ketab.ir

آمد که...

برای یکدیگر دعا کنید!

دعا موهبتی است که پنهان شما را با روح هستی آشتی می دهد.

دعا نعمتی است که روزنه های برکت را در وجودتان می گشاید.

برای یکدیگر دعا کنید که این، رحمتی است برای خود شما اگر

بدانید.

دعا کنید و بدانید با دعا، روحتان از اسیری تن به اوج نظر

خواهد کرد.

دعا کنید تا با دعایتان به ژرفای شادی راه یابید.

برای یکدیگر دعا کنید تا فرشی از خیر در پیش رویتان گسترده

شود و روح شما با کلامتان بر آن قدم زند.

